

چه زیبا بود فریاد من و تو

میان کوچه ها در زیر رگبار

صدای خشم بی اندازمان بود

تمام حرف های روی دیوار

چه زیبا بود بند وحدت ما

که با آن دست شب را بسته بودیم

به فکر پر زدن بودیم و رفتن

اگر چه مثل مرغی خسته بودیم

چه زیبا بود شب هایی که لب ها

پر از بوی گلِ تکبیر بودند

شبی که مشت های بسته ی ما

به تنهایی حریف تیر بودند

چه زیبا بود شب را خواب کردن

تمام برف ها را آب کردن

چه زیبا بود در تاریکی شب

نگاهی بر گلِ مهتاب کردن

چه زیبا بود و زیباتر از آن ها

که یک امروز زیبا را بسازیم

همه با یاد آن هایی که رفتند

بهار سبز فردا را بسازیم